

عنوان مقاله:

تغییر جهان: بررسی و نقد آموزه شناخت فیشته و نسبت فلسفه اخلاق با آن

محل انتشار:

دو فصلنامه پژوهش های معرفت شناختی، دوره 10، شماره 22 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

محسن باقرزاده مشکی باف - دانش آموخته دکترای فلسفه

محمود صوفیانی - استادیار گروه فلسفه دانشگاه تبریز

خلاصه مقاله:

فلسفه فیشته تفسیر جهان را با تغییر آن درک می کند. در این فلسفه تامل نظری بدون تغییر عالم بی معناست. این در صورتی است که مهمترین دستاورد فلسفی جهان از نظر فیشته یعنی فلسفه کانت با وجود دادن ابزار برای تغییر عالم اما از آن در این مسیر استفاده نمی کند. ماموریت فیشته برقراری سنخیت میان فلسفه کانت با جهان خارج است. در این مسیر فیشته تمامی دوگانگی ها و نظریاتی که موجب عدم برقراری این سنخیت در فلسفه کانت شده بود را طرد می کند یا از درون تغییر می دهد و راه را برای تئوری نظر-عمل و سوژه-ابژه باز می کند. و نشان می دهیم که چگونه فیشته در این مسیر معنای آزادی، واقعیت و ایده آلیسم را دگرگون می سازد. نگارنده در این مقاله تمامی دستاوردهای فیشته در مسیر را با دقت مورد واکاوی و بررسی قرار می دهد و سپس به نقد روش و راهکار فیشته می پردازد و نشان می دهد که چگونه او در دام موانعی می افتد که پیش آن ها را در کانت بازنشاسی کرده بود.

کلمات کلیدی:

تغییر جهان، فیشته، آموزه شناخت، اخلاق، کانت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1625985>

